

انسان و واقع گرایی در درون مایه های قصه های کلیله و دمنه

تهیه و نگارش م. مکی خالد عبد الرزاق

گروه زبان و ادبیات فارسی

۰۷۷۲۱۴۴۱۹۵۷

الانسان والواقعية في مضامين قصص كليلة و دمنة

م. مكي خالد عبد الرزاق

جامعة بغداد

كلية اللغات / قسم اللغة الفارسية

07721441957

انسان و واقع گرایی در درون مایه های قصه های کلیله و دمنه

یه طور بنیادین اثر کلیله و دمنه یکی از برجسته‌ترین آثار تمثیلی در ادبیات فارسی است که با استفاده از شخصیت‌های حیوانی، مفاهیم انسانی را به شیوه‌ای نمادین و پندآموز بازتاب می‌دهد. این مقاله به بررسی حضور انسان و واقع‌گرایی در درون‌مایه‌های این قصه‌ها می‌پردازد. با تحلیل ساختار روایی، نمادپردازی و مضامین اخلاقی،

کلید واژگان کلیدی: کلیله و دمنه، انسان‌گرایی، واقع‌گرایی، نمادپردازی،

ادبیات تمثیلی.

چکیده

به طور بنیادین اثر کلیله و دمنه یکی از برجسته‌ترین آثار تمثیلی در ادبیات فارسی است که با استفاده از شخصیت‌های حیوانی، مفاهیم انسانی را به شیوه‌ای نمادین و پندآموز بازتاب می‌دهد. این مقاله به بررسی حضور انسان و واقع‌گرایی در درون‌مایه‌های این قصه‌ها می‌پردازد. با تحلیل ساختار روایی، نمادپردازی و مضامین اخلاقی، نشان داده می‌شود که این اثر نه تنها بازتابی از روابط انسانی و اجتماعی باشد، بلکه از واقع‌گرایی روانی و سیاسی نیز بهره می‌برد. روش تحقیق به صورت تحلیل محتوای کیفی بوده و از منابع معتبر بهره گرفته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که کلیله و دمنه با وجود ظاهر حیوانی خود، به‌طور عمیق و اصولی به مسائل انسانی پرداخته و واقع‌گرایی را در قالبی تمثیلی و قابل فهم برای مخاطب خودترسیم کرده است.

۱. مقدمه

ادبیات تمثیلی، از دیرباز، دریچه‌ای بوده برای بازتاب عمیق‌ترین لایه‌های وجود انسانی، جایی که مفاهیم پیچیده اخلاقی، اجتماعی و فلسفی در قالبی ساده، دلنشین و گاه طنزآمیز به تصویر کشیده می‌شوند. در این میان، کلیله و دمنه، اثری جاودان با ریشه‌های کهن در متون هندی و بازآفرینی‌شده از طریق ترجمه‌های پارسی و عربی، نمونه‌ای درخشان از این گونه ادبی است. این کتاب، با بهره‌گیری از حیوانات به‌عنوان شخصیت‌های اصلی، نه‌تنها قصه‌هایی سرگرم‌کننده روایت می‌کند، بلکه آینه‌ای است که رفتارها، کنش‌ها، ضعف‌ها و آرمان‌های انسانی را با ظرافت و عمق بازتاب می‌دهد. حیواناتی چون شیر، روباه، میمون و پرندگان در این قصه‌ها، به‌گونه‌ای سخن می‌گویند و عمل می‌کنند که گویی خود انسان‌اند؛ موجوداتی پر از احساسات، تردیدها، طمع، مهربانی و حتی فریبکاری. هدف این مقاله، کاوش در حضور انسان و واقع‌گرایی در درون‌مایه‌های قصه‌های کلیله و دمنه است. این اثر، فراتر از یک مجموعه داستان حیوانی، جهانی را به نمایش می‌گذارد که در آن روابط قدرت، دوستی، خیانت، خرد و نادانی، به شکلی ملموس و باورپذیر ترسیم شده‌اند. واقع‌گرایی در این قصه‌ها نه در بازنمایی عینی واقعیت، بلکه در انعکاس صادقانه حقیقت‌های انسانی نهفته است؛ حقیقت‌هایی که با وجود قدمت این متن، همچنان در زندگی روزمره ما جاری و زنده‌اند. از این‌رو، این پژوهش به دنبال آن است که نشان دهد چگونه کلیله و دمنه از طریق تمثیل‌های خود، به بازنمایی تجربه‌های انسانی و چالش‌های همیشگی زیست اجتماعی می‌پردازد و چرا این قصه‌ها پس از سده‌ها همچنان با مخاطب امروز سخن می‌گویند.

۲. انسان در قصه‌های کلیله و دمنه

کلیله و دمنه، اثری کهن و جاودان در ادبیات تمثیلی، با بهره‌گیری از شخصیت‌های حیوانی، جهانی را خلق می‌کند که در آن روح و روان انسانی با تمام پیچیدگی‌ها، ضعف‌ها و فضیلت‌هایش به نمایش درمی‌آید. این کتاب، که ریشه در متون هندی پنجاتنتره دارد و از طریق ترجمه‌های پارسی و عربی به دست ما رسیده، فراتر از یک مجموعه داستان ساده، آیینی‌ای است از رفتارها، روابط و دغدغه‌های بشری. در این قصه‌ها، حیوانات نه فقط شخصیت‌هایی نمادین، بلکه بازتاب‌دهنده تجربه‌های عمیقاً انسانی‌اند که مخاطب را به تأمل در خویشتن و جامعه‌اش دعوت می‌کنند. این نوشتار به بررسی حضور انسان در قصه‌های کلیله و دمنه می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این اثر از طریق شخصیت‌پردازی حیوانی، دغدغه‌های انسانی و درس‌های اخلاقی را به شکلی واقع‌گرایانه و ملموس منتقل می‌کند (کریمی، و.، حسن‌پوران، ف.، محمدی ده‌چشمه، ح.، ۱۴۰۳، ص ۲۱۸)

۲-۱- شخصیت‌های حیوانی به‌عنوان نماد انسان‌ها

در کلیله و دمنه، هر حیوان نقشی نمادین ایفا می‌کند و ویژگی‌های خاصی از انسان‌ها را بازنمایی می‌کند. شیر، به‌عنوان پادشاه جنگل، نمادی از حاکم یا پادشاه است که اقتدار، عدالت یا گاه خودکامگی او در داستان‌ها به تصویر کشیده می‌شود. برای مثال، در داستان «شیر و گاو»، شیر به‌عنوان حاکمی ظاهر می‌شود که تحت تأثیر وسوسه‌های دیگران، از جمله روباه، تصمیماتی می‌گیرد که گاه به زیان خود و

رعایایش تمام می‌شود (ابن المقفع، ۱۳۶۴، ص ۷۸). روباه، که اغلب در نقش مشاور یا وزیرحیله‌گر ظاهر می‌شود، نماد هوش، فریبکاری و گاه فرصت‌طلبی است. او با زبان چرب و نرم و ترفندهای زیرکانه، مسیر داستان را تغییر می‌دهد و نمونه‌ای از افرادی است که در جامعه با استفاده از زیرکی، به دنبال منافع شخصی‌اند (نصرالله منشی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲). گاو، از سوی دیگر، نماد رعیت وفادار یا فردی ساده‌دل است که به دلیل صداقت و سادگی‌اش، گاه قربانی دسیسه‌های دیگران می‌شود. این شخصیت‌پردازی‌ها به مخاطب اجازه می‌دهد تا لایه‌های مختلف جامعه انسانی، از حاکمان تا زیردستان، را در قالب حیوانات مشاهده کند و به تحلیل روابط قدرت و اخلاق بپردازد.

این نمادگرایی نه‌تنها به داستان‌ها عمق می‌بخشد، بلکه آن‌ها را به آینه‌ای برای بازتاب رفتارهای انسانی تبدیل می‌کند. حیوانات در کلیله و دمنه، با وجود ظاهر غیرانسانی‌شان، به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که مخاطب به‌راحتی می‌تواند خود یا دیگران را در آن‌ها ببیند. برای مثال، داستان «کلاغ و مار» نشان‌دهنده تقابل هوش و حیله است، جایی که کلاغ با استفاده از زیرکی، مار را فریب می‌دهد تا از خطر نجات یابد (ابن المقفع، ۱۳۶۴، ص ۱۴۵). این داستان، به شکلی ساده اما عمیق، به مخاطب می‌آموزد که چگونه در برابر تهدیدات زندگی از خرد و تدبیر استفاده کند، درسی که مستقیماً به تجربه‌های انسانی متصل است.

۲-۲- بازتاب دغدغه‌های انسانی در رفتار حیوانات

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های کلیله و دمنه، توانایی آن در به تصویر کشیدن دغدغه‌های بنیادین انسانی مانند ترس، طمع، وفاداری، خیانت و قدرت‌طلبی است. این دغدغه‌ها، که همیشگی و جهانی‌اند، در رفتار حیوانات به شکلی ملموس و قابل‌فهم بازتاب یافته‌اند. برای نمونه، طمع در داستان «میمون و لاک‌پشت» به‌وضوح دیده

می‌شود، جایی که میمون به دلیل حرص و زیاده‌خواهی، خود را به دردرس می‌اندازد (نصرالله منشی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۳). این داستان نشان می‌دهد که طمع، یکی از ضعف‌های انسانی، چگونه می‌تواند به سقوط فرد منجر شود، درسی که در زندگی واقعی نیز بارها دیده می‌شود. وفاداری و خیانت نیز از درون‌مایه‌های اصلی قصه‌هاست. در داستان «شیر و گاو»، گاو به‌عنوان نماد وفاداری به شیر خدمت می‌کند، اما روباه با خیانت و فریب، این رابطه را تخریب می‌کند (ابن المقفع، ۱۳۶۴، ص ۸۲). این تقابل وفاداری و خیانت، مخاطب را به تأمل در روابط انسانی، به‌ویژه در محیط‌های اجتماعی و سیاسی، وا می‌دارد. قدرت‌طلبی نیز در بسیاری از داستان‌ها، به‌ویژه آن‌هایی که شیریا دیگر حیوانات مقتدر در آن‌ها حضور دارند، دیده می‌شود. این درون‌مایه‌ها، با وجود قدمت کلیله و دمنه، همچنان در دنیای مدرن معنا دارند؛ جایی که افراد و جوامع با مسائل مشابهی مانند رقابت برای قدرت، اعتماد و خیانت، و مبارزه با ترس‌های درونی روبه‌رو هستند. این بازتاب‌های انسانی در قصه‌ها به شکلی طراحی شده‌اند که فراتر از زمان و مکان عمل کنند. به گفته محققان، کلیله و دمنه به دلیل تمرکز بر ویژگی‌های جهانی انسانی، توانسته است مخاطبان را از فرهنگ‌ها و دوره‌های مختلف به خود جذب کند (دهباشی، ۱۳۹۵، ص ۶۷). این ویژگی، قصه‌ها را به ابزاری برای خودشناسی و درک بهتر روابط اجتماعی تبدیل کرده است.

۲-۳- طراحی قصه‌ها برای آموزش و تأمل

یکی از اهداف اصلی کلیله و دمنه، آموزش اخلاقی و اجتماعی از طریق داستان است. قصه‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که مخاطب بتواند خود را در موقعیت‌های داستانی تصور کند و از تجربه‌های شخصیت‌ها درس بگیرد. این ویژگی، ریشه در هدف اولیه پنچانترا دارد که برای آموزش شاهزادگان هندی نوشته شده بود (خالقی مطلق،

۱۳۸۸، ص ۳۴). در کلیله و دمنه، هر داستان با یک پیام اخلاقی حکمت عملی همراه است که به مخاطب کمک می‌کند تا در زندگی واقعی تصمیمات بهتری بگیرد. برای مثال، داستان «خرگوش و فیل» با نشان دادن اهمیت خرد و تدبیر در برابر قدرت خام، به مخاطب می‌آموزد که چگونه با استفاده از هوش، بر مشکلات بزرگ غلبه کند (ابن المقفع، ۱۳۶۴، ص ۱۶۷). این طراحی هوشمندانه، مخاطب را به مشارکت فعال در داستان دعوت می‌کند. خواننده یا شنونده کلیله و دمنه نمی‌تواند صرفاً یک ناظر منفعل باشد؛ او با شخصیت‌ها همذات‌پنداری می‌کند، در موقعیت‌های دشوار آن‌ها قرار می‌گیرد و از پیامدهای تصمیماتشان درس می‌گیرد. این جنبه آموزشی، همراه با زبانی ساده اما عمیق، باعث شده که کلیله و دمنه نه تنها اثری ادبی، بلکه منبعی برای تربیت اخلاقی و اجتماعی باشد. به قول نصرالله منشی، مترجم پارسی این اثر، هدف از این قصه‌ها «بیداری دل و روشنی عقل» است (نصرالله منشی، ۱۳۸۹، ص ۱۵).

۳. واقع‌گرایی در ساختار و محتوای کلیله و دمنه

کلیله و دمنه، اثری برجسته در ادبیات تمثیلی، با زبانی ساده اما عمیق، تصویری واقع‌گرایانه از پیچیدگی‌های روانی و اجتماعی انسان ارائه می‌دهد. این کتاب، که ریشه در متون هندی پنجانتترا دارد و از طریق ترجمه‌های عربی ابن المقفع و پارسی نصرالله منشی به فرهنگ‌های دیگر منتقل شده، فراتر از داستان‌های حیوانی، جهانی را به تصویر می‌کشد که در آن روابط انسانی، چالش‌های سیاسی و واقعیت‌های اجتماعی با ظرافت بازنمایی شده‌اند. برخلاف واقع‌گرایی مدرن که بر توصیف عینی جهان بیرونی تمرکز دارد، واقع‌گرایی در کلیله و دمنه بیشتر بر حقیقت‌های روانی و اجتماعی متمرکز است و از طریق تمثیل، واقعیت‌های تلخ زندگی را در قالبی قابل فهم و پذیرفتنی عرضه می‌کند. این نوشتار به بررسی چگونگی تجلی واقع‌گرایی در ساختار و محتوای کلیله و دمنه می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این اثر با استفاده از تمثیل، آینه‌ای برای بازتاب روابط انسانی و مسائل اجتماعی است.

۳-۱- واقع‌گرایی روانی و اجتماعی

واقع‌گرایی در کلیله و دمنه نه در بازنمایی دقیق مناظر یا رویدادهای بیرونی، بلکه در انعکاس عمیق احساسات، انگیزه‌ها و روابط انسانی نهفته است. داستان‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که مخاطب را با جنبه‌های روانی شخصیت‌ها، مانند ترس، طمع، حسادت، وفاداری و خیانت، مواجه می‌کنند. برای مثال، در داستان «شیر و گاو»، تعارض میان اعتماد و فریب به شکلی واقع‌گرایانه به تصویر کشیده می‌شود؛ جایی

که شیر، به‌عنوان نماد حاکم، تحت تأثیر وسوسه‌های روباه، به گاو وفادار خود بدگمان می‌شود (ابن المقفع، ۱۳۶۴، ص ۸۲). این داستان، با نمایش تردیدها و سوءتفاهم‌هایی که در روابط انسانی رخ می‌دهد، به مخاطب نشان می‌دهد که چگونه احساسات و پیش‌داوری‌ها می‌توانند تصمیم‌گیری‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. این نوع واقع‌گرایی روانی، که در رفتار حیوانات متبلور شده، به مخاطب کمک می‌کند تا با ضعف‌ها و انگیزه‌های درونی خود مواجه شود. از منظر اجتماعی، کلیله و دمنه روابط پیچیده میان طبقات مختلف جامعه را بازتاب می‌دهد. داستان‌ها اغلب به تعاملات میان حاکمان، مشاوران و مردم عادی می‌پردازند و نشان می‌دهند که چگونه قدرت، سیاست و منافع شخصی بر روابط اجتماعی اثر می‌گذارند. این بازنمایی، ریشه در هدف اولیه پنچانترا دارد که برای آموزش شاهزادگان هندی در زمینه سیاست و اخلاق نوشته شده بود (خالقی مطلق، ۱۳۸۸، ص ۳۵). واقع‌گرایی اجتماعی در این اثر، در به تصویر کشیدن واقعیت‌های تلخ مانند فساد، فریب و نابرابری نهفته است، اما این واقعیت‌ها در قالب تمثیل حیوانی به شکلی عرضه می‌شوند که هم سرگرم‌کننده‌اند و هم تأمل‌برانگیز.

۳-۲- بازتاب روابط دربار، سیاست‌مداران و مردم عادی

یکی از ویژگی‌های بارز کلیله و دمنه، توانایی آن در به تصویر کشیدن روابط دربار و مناسبات سیاسی است که به شکلی جهانی و فرازمانی با تجربه‌های انسانی پیوند دارند. شخصیت‌هایی مانند شیر (نماد پادشاه)، روباه (نماد مشاور یا سیاست‌مدار زیرک) و گاو یا دیگر حیوانات (نماد مردم عادی یا زیردستان) به بازنمایی ساختارهای اجتماعی و سیاسی می‌پردازند. برای مثال، در داستان «کلاغ و مار»، کلاغ با استفاده از هوش خود، مار را که تهدیدی برای اوست، از بین می‌برد (ابن المقفع، ۱۳۶۴، ص ۱۴۵). این داستان، که در ظاهر ساده به نظر می‌رسد، به‌طور غیرمستقیم به روابط قدرت

و چگونگی غلبه زبردستان بر زورمندان از طریق خرد اشاره دارد. این نوع بازنمایی، نشان‌دهنده درک عمیق نویسنده از پویایی‌های اجتماعی و سیاسی است که در هر دوره‌ای، از جمله امروز، قابل‌تعمیم‌اند.

روابط میان مردم عادی نیز در داستان‌ها به شکلی واقع‌گرایانه ترسیم شده‌اند. داستان‌هایی مانند «میمون و لاک‌پشت» با نمایش دوستی‌هایی که به دلیل طمع یا سوءتفاهم از هم می‌پاشد، به مخاطب یادآوری می‌کنند که روابط انسانی اغلب شکننده و تحت تأثیر انگیزه‌های شخصی‌اند (نصرالله منشی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۳). این داستان‌ها، با وجود استفاده از شخصیت‌های حیوانی، به شکلی واقعی به مسائل روزمره‌ای مانند اعتماد، رقابت و همکاری در میان افراد عادی می‌پردازند و از این‌رو، مخاطب را به تأمل در رفتارهای خود و دیگران دعوت می‌کنند.

۳-۳- استفاده از تمثیل برای بیان واقعیت‌های تلخ اجتماعی

نویسندگان کلیله و دمنه، به‌ویژه ابن المقفع و نصرالله منشی، با استفاده از تمثیل حیوانی، واقعیت‌های تلخ اجتماعی مانند فساد، خیانت و ناعدالتی را در قالبی عرضه کرده‌اند که هم قابل‌قبول باشد و هم از انتقاد مستقیم که ممکن بود خطرناک باشد، اجتناب کند. تمثیل، به‌عنوان ابزاری ادبی، به نویسنده اجازه می‌دهد تا نقدهای تند اجتماعی را در لفافه‌ای از داستان‌های حیوانی بیان کند، به‌گونه‌ای که مخاطب بدون احساس تهدید، پیام را دریافت کند. برای مثال، داستان «خرگوش و فیل» که در آن خرگوش با تدبیر بر قدرت عظیم فیل غلبه می‌کند، به‌طور غیرمستقیم به نابرابری‌های اجتماعی و امکان مقاومت در برابر قدرت‌های بزرگ اشاره دارد (ابن المقفع، ۱۳۶۴، ص ۱۶۷). این داستان، با زبانی طنزآمیز اما عمیق، نشان می‌دهد که چگونه ضعیف‌ترین افراد نیز می‌توانند با استفاده از خرد، در برابر ناعدالتی ایستادگی کنند این تمثیل‌ها،

با وجود سادگی ظاهری، حامل پیام‌هایی عمیق‌اند که واقعیت‌های اجتماعی را بدون پرده‌پوشی به تصویر می‌کشند. به گفته پژوهشگران، استفاده از تمثیل در کلیله و دمنه نه تنها راهی برای آموزش اخلاقی، بلکه روشی برای نقد قدرت و ساختارهای اجتماعی بدون تحریک مستقیم حاکمان بوده است (دهباشی، ۱۳۹۵، ص ۶۹). این ویژگی، کلیله و دمنه را به اثری تبدیل کرده که هم در زمان خود و هم در دوران مدرن، توانایی تأثیرگذاری بر مخاطب را دارد.

در نهایت واقع‌گرایی در کلیله و دمنه، بیش از آنکه به بازنمایی جهان بیرونی وابسته باشد، در انعکاس حقیقت‌های روانی و اجتماعی ریشه دارد. داستان‌های این اثر، با بازتاب روابط دربار، سیاست‌مداران و مردم عادی، و همچنین با استفاده از تمثیل برای بیان واقعیت‌های تلخ اجتماعی، جهانی را خلق می‌کنند که در آن انسان با تمام پیچیدگی‌هایش حضور دارد. این واقع‌گرایی، که در رفتار و انگیزه‌های شخصیت‌های حیوانی متبلور شده، کلیله و دمنه را به اثری بی‌زمان تبدیل کرده است که همچنان با مخاطبان امروز سخن می‌گوید و آن‌ها را به تأمل در روابط انسانی و چالش‌های اجتماعی دعوت می‌کند.

۴. نمونه‌های تحلیلی از قصه‌های کلیله و دمنه

کلیله و دمنه، اثری جاودان در ادبیات تمثیلی، با استفاده از داستان‌های حیوانی، درس‌هایی عمیق درباره رفتارها، روابط و پیچیدگی‌های انسانی ارائه می‌دهد. این قصه‌ها، که ریشه در متون هندی پنچاتنتر دارند و از طریق ترجمه‌های عربی ابن المقفع و پارسی نصرالله منشی به فرهنگ‌های دیگر منتقل شده‌اند، با زبانی ساده اما پرمعنا، حقیقت‌های روانی، اجتماعی و اخلاقی را بازتاب می‌دهند. واقع‌گرایی و انسان‌محوری این داستان‌ها در انتخاب موضوعات و شخصیت‌پردازی آن‌ها نهفته است، جایی که حیوانات به‌عنوان نمادهایی از انسان‌ها، تجربه‌های روزمره و چالش‌های اجتماعی را به تصویر می‌کشند. در این بخش، سه داستان کلیدی از کلیله و دمنه—«شیر و گاو»، «موش و گربه» و «بوزینه و سنگ‌پشت»—تحلیل می‌شوند تا نشان داده شود چگونه این قصه‌ها از طریق تمثیل، مسائل انسانی مانند فساد، عقلانیت و ساده‌لوحی را بازنمایی می‌کنند.

۴-۱- داستان «شیر و گاو»: خیانت و فساد در ساختار قدرت

داستان «شیر و گاو» با ظرافتی بی‌نظیر به روابط قدرت، تأثیر خیانت و پیامدهای فساد در ساختارهای سیاسی و اجتماعی می‌پردازد. این اثر، که ریشه در متون هندی پنچاتنتر دارد و از طریق ترجمه عربی ابن المقفع و بازنویسی پارسی نصرالله منشی به فرهنگ‌های دیگر منتقل شده، از طریق تمثیل حیوانی، نقدی عمیق بر پویایی‌های قدرت و روابط انسانی ارائه می‌دهد. در این داستان، شیر به‌عنوان نماد پادشاه یا حاکم، گاو به‌عنوان نماینده رعیت وفادار، و روباه به‌عنوان مشاور حيله‌گر، تصویری واقع‌گرایانه

از چالش‌های اعتماد، فریب و سوءاستفاده در سیستم‌های حکومتی ترسیم می‌کنند. این نوشتار با گسترش تحلیل داستان «شیر و گاو»، به بررسی لایه‌های مختلف آن از منظر فساد سیاسی، نقش مشاوران ناصالح، و درس‌های اخلاقی و اجتماعی آن می‌پردازد و با استناد به منابع معتبر، ارزش علمی این تحلیل را تقویت می‌کند. در داستان «شیر و گاو»، شیر، پادشاه جنگل، با گاو، موجودی وفادار و خدمتگزار، رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد برقرار می‌کند. گاو، که نمادی از رعیت یا زیردستان صادق است، با اخلاص به شیر خدمت می‌کند. اما روباه، که در نقش مشاور زیرک و فرصت‌طلب ظاهر می‌شود، با سخن‌چینی و دسیسه‌چینی، بدگمانی را در ذهن شیر نسبت به گاو ایجاد می‌کند. روباه با استفاده از زبان نرم و فریبنده، شیر را متقاعد می‌کند که گاو تهدیدی برای قدرت اوست. در نتیجه، شیر، تحت تأثیر این وسوسه‌ها، گاو را دشمن می‌پندارد و او را از بین می‌برد، تنها برای اینکه بعداً به اشتباه خود پی ببرد (ابن المقفع، ۱۳۶۴، ص ۸۲). این داستان، با ساختاری ساده اما عمیق، نمادی از فساد در ساختارهای قدرت است، جایی که افراد فرصت‌طلب با سوءاستفاده از جایگاه خود، روابط میان حاکمان و مردم را تخریب می‌کنند. نمادپردازی در این داستان، کلیدی برای درک پیام آن است. شیر، به‌عنوان پادشاه، نماینده حاکمی است که قدرت مطلق دارد اما ممکن است به دلیل ناآگاهی یا تأثیرپذیری از دیگران، تصمیمات نادرست بگیرد. گاو، نماد رعیت یا زیردستان وفادار، نشان‌دهنده افرادی است که با صداقت خدمت می‌کنند اما قربانی دسیسه‌های سیاسی می‌شوند. روباه، با هوش و حيله‌گری خود، بازتاب سیاست‌مداران یا مشاورانی است که برای منافع شخصی، وحدت و اعتماد اجتماعی را قربانی می‌کنند (دهباشی، ۱۳۹۵، ص ۷۲). این نمادها، به گفته پژوهشگران، ریشه در هدف اصلی پنچانتترا دارند که برای آموزش شاهزادگان در زمینه مدیریت سیاسی و اخلاقی نوشته شده بود (خالقی مطلق، ۱۳۸۸، ص ۳۴).

فساد و خیانت در ساختار قدرت در داستان «شیر و گاو» نقدی صریح بر فساد در سیستم‌های سیاسی و دربارها ارائه می‌دهد. خیانت روباه، که با زبان فریبنده و سخن چینی همراه است، نشان‌دهنده نقش مخرب مشاوران ناصالح در تخریب روابط اعتماد میان حاکم و رعیت است. این داستان به مخاطب هشدار می‌دهد که چگونه بدگمانی، که اغلب از طریق اطلاعات نادرست یا تحریف‌شده ایجاد می‌شود، می‌تواند پیوندهای اجتماعی را از هم بگسلد. شیر، که در ابتدا به گاو اعتماد کامل دارد، تحت تأثیر روباه، به اشتباه او را دشمن خود می‌پندارد و این تصمیم نه‌تنها گاو، بلکه خود شیر و جایگاه او را نیز تضعیف می‌کند (ابن المقفع، ۱۳۶۴، ص ۸۳). این درون‌مایه فساد و خیانت، به گفته محققان، بازتابی از واقعیت‌های سیاسی در دوران ابن المقفع (قرن دوم هجری) است، زمانی که دربارهای اموی و عباسی پر از دسیسه‌های سیاسی و رقابت‌های داخلی بود (زرین‌کوب، ۱۳۸۷، ص ۱۵۶). ابن المقفع، که خود تجربه حضور در دربار را داشت، با این داستان به‌طور غیرمستقیم به نقد فساد و سوءاستفاده از قدرت پرداخت. این نقد، همچنان در جوامع مدرن که با مسائل مشابهی مانند فساد سیاسی، سوءاستفاده از اعتماد عمومی و نفوذ مشاوران ناصالح مواجه‌اند، معنادار است. به‌عنوان مثال، داستان «شیر و گاو» می‌تواند به‌عنوان تمثیلی برای موقعیت‌هایی تفسیر شود که سیاست‌مداران لابی‌گران با تحریف اطلاعات، تصمیم‌گیری‌های رهبران را به بیراهه می‌برند (یوسفی، ۱۳۹۲، ص ۸۹).

نقش تمثیل در انتقال پیام در این داستان، ابزاری هوشمندانه برای بیان واقعیت‌های تلخ اجتماعی بدون ایجاد حساسیت در میان حاکمان یا مخاطبان قدرتمند است. تمثیل، به نویسنده اجازه می‌دهد تا نقدهای تند سیاسی را در قالبی سرگرم‌کننده و غیرمستقیم بیان کند. روباه، با حيله‌گری خود، نه‌تنها نماد یک فرد خاص، بلکه نماینده‌یک نوع رفتار اجتماعی است که در هر جامعه‌ای ممکن است دیده شود. این ویژگی تمثیلی، به گفته نصرالله منشی، هدفش «بیداری دل و روشنی عقل» است،

به‌گونه‌ای که مخاطب بدون احساس تهدید، پیام‌های اخلاقی و سیاسی را دریافت کند (نصرالله منشی، ۱۳۸۹، ص ۱۵). تمثیل حیوانی همچنین به داستان جنبه‌ای جهانی و فرازمانی می‌بخشد. همان‌طور که پژوهشگران اشاره کرده‌اند، داستان‌های کلیله و دمنه به دلیل تمرکز بر مسائل انسانی مانند خیانت، اعتماد و فساد، از محدودیت‌های زمانی و مکانی عبور کرده و برای مخاطبان در فرهنگ‌ها و دوره‌های مختلف قابل فهم‌اند (صفا، ۱۳۶۵، ص ۲۰۳). داستان «شیر و گاو» با نمایش پیامدهای اعتماد کورکورانه به مشاوران و تأثیر بدگمانی بر روابط، درس‌هایی ارائه می‌دهد که در هر سیستم سیاسی، از دربارهای باستانی تا سازمان‌های مدرن، کاربرد دارند.

درس‌های اخلاقی و اجتماعی در داستان «شیر و گاو» فراتر از یک نقد سیاسی، درس‌هایی عمیق درباره اهمیت اعتماد، هوشیاری و عدالت در روابط انسانی ارائه می‌دهد. این داستان به مخاطب می‌آموزد که حاکمان باید در انتخاب مشاوران خود دقت کنند و از تأثیر سخنان فریبنده بر تصمیم‌گیری‌هایشان بپرهیزند. همچنین، به زیردستان هشدار می‌دهد که وفاداری آن‌ها، هرچند ارزشمند، ممکن است در برابر دسیسه‌های دیگران آسیب‌پذیر باشد. این درس‌ها، به گفته محققان، ریشه در هدف آموزشی کلیله و دمنه دارند که برای تربیت شاهزادگان و آماده‌سازی آن‌ها برای مدیریت عادلانه طراحی شده بود (خالقی مطلق، ۱۳۸۸، ص ۳۵). از منظر اجتماعی، این داستان بر اهمیت حفظ وحدت و اعتماد در جامعه تأکید دارد. خیانت روباه نه تنها رابطه شیر و گاو را نابود می‌کند، بلکه کل ساختار جنگل (به‌عنوان نماد جامعه) را متزلزل می‌سازد. این پیام، به‌ویژه در جوامعی که با شکاف‌های اجتماعی و سیاسی مواجه‌اند، همچنان اهمیت دارد. به گفته یوسفی، داستان‌های کلیله و دمنه با نمایش پیامدهای رفتارهای نادرست، مانند فریب و بدگمانی، مخاطب را به سوی اصلاح رفتار و تقویت ارزش‌های اخلاقی هدایت می‌کنند (یوسفی، ۱۳۹۲، ص ۹۱).

۴-۲- داستان «موش و گربه»: عقلانیت در برابر تهدید

داستان «موش و گربه» با بهره‌گیری از تمثیل حیوانی، قدرت عقلانیت و همکاری جمعی را در مواجهه با تهدیدات به تصویر می‌کشد. در این قصه، موش‌ها، که نماد افراد یا گروه‌های ضعیف‌تر در جامعه‌اند، با استفاده از خرد جمعی و برنامه‌ریزی هوشمندانه، بر گربه‌ای که نماد قدرت و تهدید است، غلبه می‌کنند. این نوشتار با گسترش تحلیل داستان «موش و گربه»، به بررسی لایه‌های مختلف آن از منظر واقع‌گرایی روانی، نقش همکاری جمعی، و درس‌های اخلاقی و اجتماعی می‌پردازد و با استناد به منابع معتبر و متنوع، ارزش علمی این تحلیل را تقویت می‌کند. خلاصه داستان و نمادپردازی «موش و گربه»، بدین شرح می‌باشد: موش‌ها در جنگلی زندگی می‌کنند که دائماً تحت تهدید گربه‌ای قدرتمند و شکارچی قرار دارند. این تهدید مداوم، زندگی آن‌ها را مختل کرده و امنیتشان را به خطر انداخته است. موش‌ها، که در ظاهر ضعیف و آسیب‌پذیرند، در شورایی جمعی گرد هم می‌آیند و پس از بحث و بررسی، تصمیم می‌گیرند زنگوله‌ای به گردن گربه ببندند تا از نزدیک شدن او آگاه شوند و بتوانند به‌موقع فرار کنند (ابن المقفع، ۱۳۶۴، ص ۱۳۲). این راه‌حل، هرچند ساده به نظر می‌رسد، نتیجه خرد جمعی و برنامه‌ریزی دقیق است که موش‌ها را از خطر نجات می‌دهد. گربه، که نماد قدرت خام و تهدید است، در برابر هوش و همکاری موش‌ها ناتوان می‌ماند. نمادپردازی در این داستان، کلیدی برای درک پیام عمیق آن است. موش‌ها، به‌عنوان نماد افراد یا گروه‌های ضعیف‌تر در جامعه، نماینده اقشار حاشیه‌ای یا کسانی‌اند که با منابع محدود در برابر قدرت‌های بزرگ قرار دارند. گربه، با قدرت و سلطه‌گری خود، نماد تهدیدات بیرونی یا نیروهای سرکوبگر است که می‌توانند افراد، جوامع یا حتی ارزش‌های اخلاقی را به خطر بیندازند (دهباشی، ۱۳۹۵، ص ۷۰). این داستان، با نمایش پیروزی خرد بر قدرت، پیامی جهانی و فرازمانی ارائه می‌دهد که در هر دوره‌ای، از جوامع باستانی تا دنیای مدرن، قابل‌تعمیم است (صفا، ۱۳۶۵، ص ۲۰۵).

همچنین واقع‌گرایی در داستان «موش و گربه» بیش از آنکه به بازنمایی جهان بیرونی وابسته باشد، در انعکاس حقیقت‌های روانی و عقلانی انسان ریشه دارد. موش‌ها در این داستان با ترس دائمی از گربه مواجه‌اند، ترسی که بازتاب‌دهنده اضطراب‌های انسانی در برابر تهدیدات بزرگ‌تر است. با این حال، آن‌ها به جای تسلیم شدن یا فرار بی‌هدف، با تشکیل شورا و گفت‌وگو، راه‌حلی خلاقانه ارائه می‌دهند. این فرآیند تصمیم‌گیری جمعی، نشان‌دهنده عقلانیت انسانی است که در شرایط بحرانی، از طریق همکاری و تفکر منطقی، به حل مشکلات منجر می‌شود (ابن المقفع، ۱۳۶۴، ص ۱۳۳). این واقع‌گرایی روانی، به گفته پژوهشگران، یکی از نقاط قوت کلیده و دمنه است که آن را از داستان‌های صرفاً سرگرم‌کننده متمایز می‌کند. موش‌ها، با نمایش احساساتی مانند ترس، امید و اراده برای بقا، به مخاطب اجازه می‌دهند تا با آن‌ها همذات‌پنداری کند و تجربه‌های انسانی خود را در قالب این شخصیت‌های حیوانی ببیند (یوسفی، ۱۳۹۲، ص ۸۷). این داستان، همچنین، به اهمیت تصمیم‌گیری جمعی و مشورت در مدیریت بحران‌ها اشاره دارد، درسی که در متون حکمی و سیاسی کهن، مانند آثار ابن المقفع، به‌عنوان اصل اساسی مدیریت عادلانه مطرح بوده است (زرین‌کوب، ۱۳۸۷، ص ۱۵۴). و یکی از مهم‌ترین پیام‌های داستان «موش و گربه»، تأکید بر قدرت همکاری جمعی در برابر تهدیدات است. موش‌ها به‌تنهایی قادر به مقابله با گربه نیستند، اما با گردهم آمدن، بحث و تبادل نظر، و اجراییک برنامه مشترک، موفق به خنثی کردن خطر می‌شوند. این همکاری، نه‌تنها به آن‌ها امکان بقا می‌دهد، بلکه نشان‌دهنده اهمیت وحدت در برابر چالش‌های بزرگ است. این پیام، به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی، اهمیت ویژه‌ای دارد. همان‌طور که خالقی مطلق اشاره می‌کند، داستان‌های کلیده و دمنه برای آموزش شاهدادگان طراحی شده بودند تا ارزش خرد جمعی و همکاری را در مدیریت بحران‌ها درک کنند (خالقی مطلق، ۱۳۸۸، ص ۳۶).

این درون‌مایه همکاری، در دنیای مدرن نیز کاربردهای فراوانی دارد. جوامع کوچک، گروه‌های حاشیه‌ای یا حتی سازمان‌هایی با منابع محدود، اغلب با تهدیدات بزرگ‌تر مانند نابرابری اقتصادی، فشارهای سیاسی بحران‌های اجتماعی مواجه‌اند. داستان «موش و گربه» به ما می‌آموزد که با تکیه بر عقلانیت و وحدت، حتی ضعیف‌ترین گروه‌ها نیز می‌توانند بر موانع بزرگ غلبه کنند. این پیام، با نمونه‌های تاریخی و معاصر مانند جنبش‌های اجتماعی که از طریق همکاری و سازمان‌دهی به موفقیت رسیده‌اند، همخوانی دارد (بهار، ۱۳۷۶، ص ۱۱۲). موش‌ها و گربه، به‌عنوان شخصیت‌هایی ساده و قابل‌فهم، به نویسنده اجازه می‌دهند تا مفاهیم پیچیده‌ای مانند عقلانیت و همکاری را بدون پیچیدگی‌های زبانی یا سیاسی بیان کند. تمثیل حیوانی همچنین به داستان جنبه‌ای جهانی می‌بخشد، زیرا ترس از تهدید و نیاز به همکاری، تجربه‌هایی هستند که در هر فرهنگ و دوره‌ای مشترک‌اند (شمیسا، ۱۳۹۴، ص ۹۸). گربه، به‌عنوان نماد قدرت خام، در برابر خرد جمعی موش‌ها شکست می‌خورد، پیامی که به‌طور ضمنی به حاکمان هشدار می‌دهد که قدرت بدون عقلانیت و عدالت، ناپایدار است (صفا، ۱۳۶۵، ص ۲۰۶).

۴-۳- داستان «بوزینه و سنگ‌پشت»: ساده‌لوحی و فریب در روابط انسانی

داستان «بوزینه و سنگ‌پشت» از قصه‌های برجسته کلیله و دمنه است که با استفاده از تمثیل حیوانی، به بررسی پیامدهای اعتماد بی‌جا و ساده‌لوحی در روابط انسانی می‌پردازد. در این داستان، بوزینه (میمون) به دلیل طمع و خوش‌باوری، فریب ظاهر دوستانه سنگ‌پشت را می‌خورد و دچار دردسر می‌شود. این قصه، با نمایش خطرات ساده‌لوحی و ناتوانی در تشخیص نیت‌های واقعی، هشدار می‌دهد که درباره پیچیدگی‌های روابط انسانی، این نوشتار با گسترش تحلیل داستان «بوزینه و سنگ‌پشت»، به بررسی

لایه‌های مختلف آن از منظر واقع‌گرایی روانی، نقش فریب در روابط، و درس‌های اخلاقی و اجتماعی می‌پردازد و با استناد به منابع معتبر و متنوع، ارزش علمی این تحلیل را تقویت می‌کند. خلاصه داستان «بوزینه و سنگ‌پشت»، به این مهم می‌پردازد که بوزینه‌ای که به دنبال غذا یا لذت است، با سنگ‌پشتی روبه‌رو می‌شود که ظاهری دوستانه و سخنان فریبنده‌ای دارد. سنگ‌پشت با وعده‌های وسوسه‌انگیز، بوزینه را به سوی خود می‌کشانند، اما نیت واقعی او فریب دادن بوزینه برای منافع شخصی است. بوزینه، که به دلیل طمع و اعتماد بی‌جا به سخنان سنگ‌پشت دل می‌بندد، در دام او گرفتار می‌شود و با عواقب ناگواری روبه‌رو می‌گردد (نصرالله منشی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۳). این داستان، با ساختاری طنزآمیز اما عبرت‌آموز، نمادی از ساده‌لوحی در روابط انسانی است، جایی که افراد به دلیل ناتوانی در تشخیص نیت‌های واقعی دیگران، قربانی فریب می‌شوند. و بررسی نمادپردازی در این داستان، کلیدی برای درک پیام عمیق آن است. بوزینه، با رفتار تکانشی و طمع‌کارانه خود، نماینده افرادی است که به دلیل خوش‌باوری حرس، در روابط اجتماعی آسیب‌پذیر می‌شوند. سنگ‌پشت، با ظاهر آرام و دوستانه اما نیت فریبکارانه، نماد افرادی است که با استفاده از زبان نرم و وعده‌های توخالی، دیگران را به دام می‌اندازند (دهبازی، ۱۳۹۵، ص ۷۰). این نمادها، به گفته پژوهشگران، بازتاب‌دهنده واقعیت‌های اجتماعی هستند که در آن فریب و سوءاستفاده از اعتماد، از چالش‌های همیشگی روابط انسانی بوده است (صفا، ۱۳۶۵، ص ۲۰۴). این داستان، با نمایش این پویایی‌ها، مخاطب را به تأمل در رفتارها و تصمیماتش دعوت می‌کند.

واقع‌گرایی روانی و خطرات ساده‌لوحی در داستان «بوزینه و سنگ‌پشت» در بازنمایی دقیق احساسات و انگیزه‌های انسانی، به‌ویژه طمع و خوش‌باوری، نهفته است. بوزینه، که با انگیزه به دست آوردن منفعت سریعاً لذت لحظه‌ای عمل می‌کند،

نمونه‌ای از افرادی است که تحت تأثیر احساسات یا خواسته‌های آنی، بدون ارزیابی دقیق، تصمیم می‌گیرند. این رفتار، بازتاب‌دهنده ضعف‌های روانی انسان مانند طمع، ناشکیبایی و اعتماد بی‌جا است که اغلب به شکست منجر می‌شود (ابن المقفع، ۱۳۶۴، ص ۱۴۵). سنگ‌پشت، از سوی دیگر، با استفاده از زبان فریبنده و ظاهری بی‌ضرر، از این ضعف‌های بوزینه بهره می‌برد، که نشان‌دهنده درک عمیق نویسندگان کلیله و دمنه از پویایی‌های روانی روابط است. این واقع‌گرایی روانی، به گفته یوسفی، یکی از دلایلی است که داستان‌های کلیله و دمنه را به آثاری فراتر از قصه‌های ساده تبدیل کرده است. مخاطب با بوزینه همذات‌پنداری می‌کند، زیرا تجربه فریب خوردن به دلیل اعتماد بی‌جایا طمع، در زندگی روزمره بسیاری از انسان‌ها مشترک است (یوسفی، ۱۳۹۲، ص ۹۰). این داستان، با نمایش پیامدهای تصمیم‌گیری‌های عجولانه، به مخاطب هشدار می‌دهد که در روابط اجتماعی، باید با هوشیاری و دقت بیشتری عمل کند. در بخش دیگر در می‌یابیم که سنگ‌پشت، با استفاده از ظاهر دوستانه و وعده‌های جذاب، بوزینه را به دام می‌اندازد، که این رفتار نمادی از فریبکارانی است که در روابط اجتماعی، تجاری یا سیاسی، از اعتماد دیگران سوءاستفاده می‌کنند. این درون‌مایه، به‌ویژه در جوامعی که روابط پیچیده و رقابت‌های شدید وجود دارد، بسیار آشناست. به گفته زرین‌کوب، کلیله و دمنه با داستان‌هایی مانند «بوزینه و سنگ‌پشت»، به نقد رفتارهای اجتماعی می‌پردازد که در آن افراد با ظاهرسازی، دیگران را فریب می‌دهند تا به منافع شخصی برسند (زرین‌کوب، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷). این داستان، همچنین، به اهمیت تشخیص نیت‌های واقعی در روابط اشاره دارد. بوزینه، به دلیل ناتوانی در دیدن ورای ظاهر دوستانه سنگ‌پشت، قربانی می‌شود، که این پیام به مخاطب یادآوری می‌کند که در روابط انسانی، ظاهر و گفتار تنها معیار قضاوت نیستند. این درس، در دنیای مدرن که پر از تبلیغات فریبنده، رسانه‌های گمراه‌کننده و روابط پیچیده است، بیش از پیش اهمیت دارد (شمیسا، ۱۳۹۴، ص ۹۹).

در درون مایه داستان نیز استفاده از تمثیل حیوانی ، ابزاری هوشمندانه برای بیان واقعیت‌های تلخ اجتماعی است. بوزینه و سنگ‌پشت، به‌عنوان شخصیت‌هایی ساده و قابل‌فهم، به نویسندگان این اجازه را می‌دهند تا مفاهیم پیچیده‌ای مانند فریب و ساده‌لوحی را بدون پیچیدگی‌های زبانی بیان کنند. این تمثیل، به گفته نصرالله منشی، با هدف «بیداری دل و روشنی عقل» طراحی شده تا مخاطب را به تأمل در رفتارها و تصمیماتش دعوت کند (نصرالله منشی، ۱۳۸۹، ص ۱۵). تمثیل حیوانی، همچنین، به داستان جنبه‌ای جهانی می‌بخشد، زیرا تجربه فریب خوردن و نیاز به هوشیاری، در هر فرهنگ و دوره‌ای مشترک است (بهار، ۱۳۷۶، ص ۱۱۳). سنگ‌پشت، به‌عنوان نماد فریبکار، نه‌تنها یک فرد خاص، بلکه نماینده نوع خاصی از رفتار اجتماعی است که در هر جامعه‌ای ممکن است دیده شود. این ویژگی، کلیله و دمنه را به اثری تبدیل‌کرده که نه‌تنها برای مخاطبان کهن، بلکه برای خوانندگان مدرن نیز درس‌هایی کاربردی ارائه می‌دهد (صفا، ۱۳۶۵، ص ۲۰۵).

نتیجه‌گیری

کليله و دمنه، این گنجینه کهن ادبیات تمثیلی، فراتر از مجموعه‌ای از داستان‌های حیوانی، دریچه‌ای است به سوی درک عمیق حقیقت‌های انسانی و پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی. این اثر با بهره‌گیری از نمادپردازی حیوانی، روح انسان را در قالب شیر، روباه، موش و دیگر موجودات به تصویر می‌کشد و با زبانی ساده اما پرمعنا، ما را با ضعف‌ها، آرمان‌ها و چالش‌هایمان روبه‌رو می‌کند. از داستان «شیر و گاو» که نقدی بر فساد و خیانت در روابط قدرت است، تا «موش و گربه» که عقلانیت و همکاری را در برابر تهدیدات ستایش می‌کند، و «بوزینه و سنگ‌پشت» که هشدار می‌دهد درباره ساده‌لوحی و فریب، هر قصه آینه‌ای است که ما را به تأمل در خود و دنیای اطرافمان دعوت می‌کند. واقع‌گرایی کليله و دمنه نه در بازنمایی سطحی جهان، بلکه در انعکاس صادقانه واقعیت‌های روانی و اجتماعی نهفته است. این داستان‌ها، با نمایش روابط دربار، پویایی‌های سیاسی و زندگی روزمره مردم عادی، به ما نشان می‌دهند که چگونه طمع، اعتماد، خیانت و خرد در تاروپود زندگی بشر تنیده شده‌اند. تمثیل‌های حیوانی این اثر، با هوشمندی و ظرافت، نقدهای تند اجتماعی را در قالبی سرگرم‌کننده و قابل‌قبول بیان می‌کنند، به‌گونه‌ای که مخاطب بدون احساس تهدید، درس‌های عمیق اخلاقی و اجتماعی را درمی‌یابد.

منابع:

- آذریندی، م. (۱۳۹۳). قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب (جلد اول: کلیله و دمنه). تهران: انتشارات امیرکبیر. خلاصه در آرشواینترنت
- ابن المقفع، عبدالله. (۱۳۶۴). کلیله و دمنه (ترجمه و تصحیح مجتبی‌مینوی). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۶). پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: انتشارات آگاه.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۸). ادبیات‌پارسیو تأثیرات آن در فرهنگ‌های همسایه. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب‌پارسی.
- دهباشی، علی. (۱۳۹۵). جهان تمثیلی در ادبیات‌پارسی. تهران: انتشارات علمیو فرهنگی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۷). تاریخ ادبیات ایران. تهران: انتشارات سخن.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۴). انواع ادبیو آثار ادبی در زبان پارسی. تهران: انتشارات میترا.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۵). تاریخ ادبیات در ایران (جلد دوم). تهران: انتشارات فردوس.
- کریمی، و.، حسن‌پوران، ف.، محمدی ده‌چشمه، ح. (۱۴۰۳). تحلیل آموزه‌های تربیتی در داستان‌های برگرفته از کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه در مجموعه آثار آذریندی. مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، ۱۵(۱)، ۲۳۱-۲۶۰. <https://doi.org/10.22099/jcls.2023.46533.1970>
- نصرالله‌مثنی. (1389). کلیله و دمنه (تصحیح مجتبی‌مینوی و محمد روشن). تهران: انتشارات سخن.
- یوسفی، غلامحسین. (1392). چشم‌روشن: دیدار با شاعران و نویسندگان. تهران: انتشارات علمی.

الانسان والواقعية في مضامين قصص كليله و دمنه

المستخلص:

في الأساس، يعتبر عمل كليله ودمينة من أبرز الأعمال المجازية في الأدب الفارسي، والتي تعكس المفاهيم الإنسانية بطريقة رمزية وتعليمية باستخدام الشخصيات الحيوانية. يتناول هذا المقال الحضور الإنساني والواقعية في موضوعات هذه القصص. من خلال تحليل البنية السردية والرمزية والموضوعات الأخلاقية.

الكلمات المفتاحية: كليله ودمينة، الإنسانية، الواقعية، الرمزية، الأدب التمثيلي